

# کسبِ دین

مکاتب علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

روح الله فدوی

**مقدمه:**

«خداوند! تو را می‌ستایم، که خودت را به ما شناساندی. و برتری نامه و مکتب را به ما نشان دادی؛ تا از همه بت‌ها و بت‌تراش‌ها بگردیم و به سوی تو آییم و مسلمان زندگی کنیم و مسلمان بمیریم.»

با کمال صراحت و قاطعیت می‌توان گفت که دین اسلام تنها دین جامعی است که در همه امور راه سعادت و خوشبختی انسان را نشان داده و نور افشانی کرده، هر مکتبی و دینی فقط به جنبه خاصی از امور انسان اشاره کرده است و آن جنبه خاص را مورد توجه قرار داده است. مانند خیلی از مکاتب اخلاقی - سیاسی - اقتصادی - اجتماعی، ولی دین اسلام چون هدفش، تکامل و سعادت انسان است، تمام شئون و برنامه‌های زندگی خوشبختی را معرفی کرده است و به همه عواطف و غرائز و تمایلات او توجه کرده است.

اسلام تمام مصالح زندگی فردی و اجتماعی را معرفی کرده و در تمام امور از جمله زندگی، اخلاق، مملکت داری، روابط اجتماعی، جنگ، حکومت، اقتصاد و ... برنامه دارد. اما این بدان معنا نیست که همه افراد و انسان‌ها این نظر را در مورد قلمرو دین داشته باشند. بعضی نظر به این دارند که دین، فقط امور شخصی را هدایت می‌کند؛ بعضی می‌گویند که دین فقط برای دنیا است و ...

این تحقیق در مورد بررسی حوزه و قلمرو دین می‌باشد. و به بررسی و جمع آوری کلی در مورد نظریات مختلف در مورد قلمرو دین پرداخته است. البته دینی که در این مباحث است، هر دینی را شامل می‌شود. و فقط مربوط به قلمرو دین مبین اسلام نمی‌باشد.

**«تقسیم بحث قلمرو دین»**

اساساً بحث قلمرو دین از دو جنبه می‌تواند بحث شود. و در کتبی که مباحثی را به مبحث قلمرو دین اختصاص داده‌اند، از این دو جنبه سخن به میان آورده‌اند. و اینجا هم شروع و پی‌گیری بحث قلمرو دین در مورد این دو جنبه و مبحث است. یکی از آن مباحث، این است که دین، برای دنیاست یا آخرت و یا شامل هر دو می‌شود؟ و جنبه دیگر قلمرو دین، این است که دین فقط شامل امور شخصی و

فردی می‌شود، یا علاوه بر امور شخصی و فردی، شامل امور اجتماعی هم می‌شود؟ که در این چند صفحه اساس مبحث را تشکیل می‌دهند.

## مبحث اول: دین برای دنیا ست یا آخرت؟

جواب این سؤال که دین، برای مسائل دنیا ست و یا آخرت، از لحاظ منطقی از چهار فرض بیرون نیست.

(۱) فرض اول این است که دین، نه برای مسائل دنیوی است و نه برای مسائل اخروی، یعنی به هیچ کاری در این عالم نمی‌خورد. این فرض اگر چه منطقیاً یک فرض است، اما همه می‌دانیم که نادرست است.

(۲) فرض دوم اینکه دین، برای مسائل دنیا آمده و یک مرام‌نامه دنیوی دارد.

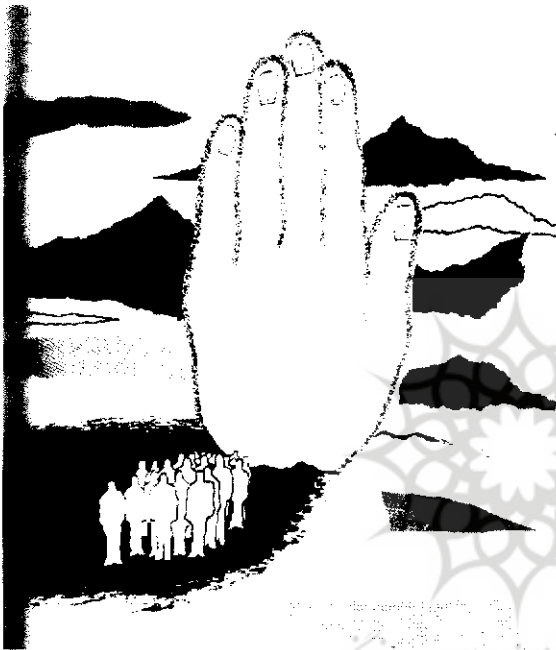
(۳) فرض سوم این است که دین، فقط برای آخرت است. یعنی اینکه ما قائلیم که

حیات اخروی وجود دارد و در آنجا سعادت و شقاوتی برای ما تعریف خواهد شد. لذا خداوند آداب و اصول و قواعدی به ما آموخته است، تا سعادت ما در حیات اخروی تأمین شود.

(۴) فرض چهارم این است که دین برای تأمین سعادت دنیا و آخرت است. و برای هر دو آمده است.

در بررسی فرضیات چهارگانه، همانطور که اشاره شد، فرض اول، مردود است. و فرض دوم، علی‌الظاهر مقبول متدینان و دینداران نمی‌باشد. و کسی نیست که در جامعه اسلامی، قائل به چنین رأیی باشد. یعنی دین را صرفاً یک مرام‌نامه دنیوی دانستن، مرام‌نامه‌ای که خداوند برای آباد کردن دنیا و برای آموختن روش اداره و تدبیر جهان فرو فرستاده است. و این سخن، با اعتقادات دینی ناسازگار است.

دو فرض باقی مانده، دارای تأمل است یعنی فرض سوم، انحصار کردن دین برای آخرت و فرض چهارم بودن دین برای دنیا و آخرت.



# فروغ اندیش

بنابر فرض سوم که معتقد باشیم، دین برای آخرت است، با مسئله ایدئولوژی که مسائل منظم عقلی و اندیشه‌ای برای دنیا می‌باشد، سازگار نیست. چون اگر دنیا را از دین بگیریم و آن را مختص به آخرت کنیم، در واقع سلاح ایدئولوژی و عقل را از آن گرفته‌ایم. چون ایدئولوژی به هر معنایی که باشد، دست کم به این معنی است که برای «حل مسائل دنیوی» است. و ما را در قبال مسائل سیاسی - حکومتی، قدرت و فرهنگ و اقتصاد، یاری می‌کند. و اصلاً وقتی این دین، برای آخرت، فقط باشد، ما هیچ بهره‌ای نمی‌توانیم از دنیا برای آخرت ببریم. و در مسائل دنیوی، ما نمی‌توانیم هیچ کمکی از دین بگیریم. و بنا بر فرض چهارم (که دین هم برای دنیا است و هم آخرت)، با کمی تعمق می‌تواند، مورد قبول واقع شود. چون اگر این سؤال از کسی شود، دین را هم در مسائل دنیوی دخیل می‌داند و هم در مسائل اخروی. و نمی‌تواند میان آندو هیچ تفکیکی قائل شود.<sup>۱</sup>

در تأیید فرض چهارم می‌توان آنرا تشبیه کرد به جواب کسی که از او پرسیده می‌شود، شما برای روحتان ورزش می‌کنید، یا برای جسمتان؟ و او جواب می‌دهد، هم برای روح و هم برای جسم. و یا در جواب کسی که از او سؤال می‌شود، برای روحتان غذا می‌خورید یا برای جسمتان؟ او جواب می‌دهد، برای هر دو. یعنی هم جسم و هم روح. چون بین روح و بدن، فاصله‌ای نیست، تا جواب را متوجه به یک طرف کند. مثلاً گرسنگی اگر چه یک حالت جسمی است، اما در روح تأثیر می‌گذارد و فرد گرسنه، کمتر بر اعصابش مسلط است. و زودتر از بقیه عصبانی می‌شود. روح و جسم کاملاً با هم عجین هستند. اصلاً این‌ها دو واقعیت متفاوت نیستند، بلکه روح و بدن، درجات مختلف و مراتب یک حقیقت یگانه است و در واقع، روح و بدن، نسبت اتحادی دارند، نه انضمامی. و دقیقاً روح و بدن، مثل دنیا و آخرت می‌باشند.

**از مکتبی که دنیا را از آخرت جدا کرده‌اند:**

## ۱- سکولاریسم.

این مکتب دنیا را قبول کرده و آخرت را نادیده گرفته است و دین را دنیایی می‌داند. و این از تحولاتی است که در عالم مسیحیت انجام شده است. و دین را منهای آخرت پذیرفته‌اند. یعنی همان سکولار شدن دین.

## ۲- پروتستانیسم و تبعی شدن آخرت نسبت به دنیا.

<sup>۱</sup> - مدارا و مدیریت، عبدالکریم سروش، صص ۱۸۷-۱۸۶

در پروتستانیسیم کسی آخرت را انکار نکرده است. اما آنها می گویند که ما در دین، همچنان دنیا و آخرت را با هم می خواهیم. ولی آخرتی را می خواهیم که تابع دنیا باشد. یعنی آدمی در آخرت، سعادتمند است که در این دنیا، موفق باشد. یعنی توفیق و موفقیت دنیوی، علامت سعادت اخروی است.

البته این مطلب قابل ذکر است که گفته «آخرتمان، تابع دنیایمان است»، می تواند دو تعبیر داشته باشد.

۱- اگر در دنیا، عمل نیک انجام دادیم، در آخرت رستگار و سعادتمند می شویم که این گفته، مورد تأیید عموم دینداران است.

۲- گاهی مقصود، چیز دیگری است و آن، «عمل خوب» با توفیق دنیوی، تعریف می شود. و عملی خوب است که دنیای ما را آباد کند. و به ما زندگی مرفه ببخشد. و به ما عزت دهد. و این تعبیر و مطلب بود که مورد توجه و تأیید پروتستانیسیم و نهضت های سکولار می باشد.

## مبحث دوم: قلمرو دین در مورد حوزه امور شخصی است، یا اجتماعی و شخصی؟

الف: مکتبی که حوزه قلمرو دین را فقط منحصر در امور شخصی می داند:

### ۱) لیبرالیسم

یکی از نظریات مشترک میان لیبرالیسم دینی و سیاسی، جدائی قلمرو شخصی و امور عمومی است، که باورهای دینی و اعتقادات مذهبی به حوزه شخص، اختصاص دارد که بر اساس لیبرالیسم سیاسی، اعتقادات و باورهای هر کس در حوزه فردی و شخصی، او محترم است. و در نزاع بین دولت و اعتقادات شخصی، نزاع به نفع دولت می باشد. و بر اساس لیبرالیسم دینی، اصولاً دین امری شخصی است و قلمرو آن از قلمرو امور عمومی جدا و متمایز است. و مدافعان این گروه بر این عقیده هستند که بسیاری از مشکلات معرفت شناختی و غیر معرفت شناختی بر طبق این نظریه مرتفع می گردد.

۲) سکولاریسم یا نگرش جدایی دین از سیاست، مهم ترین تفکیک میان حوزه امور شخصی

و امور عمومی است.

### ۳) اگزیستانسیالیسم

یکی از نگرش هایی که شباهتی به لیبرالیسم دینی دارد، اگزیستانسیالیسم مسیحی است. این دیدگاه دین را به قلمرو «رابطه من - تو» فرو می کاهد. و منطقاً شخصی بودن دین را نتیجه می دهد. و رویکرد به چنین نگرش ها و راه حل هایی، در حقیقت برای نجات دین از مشکلات، ناشی شده است.

مکتب لیبرال

# فروغ اندیشه



بسیاری از دین‌باوران مسیحی و یهودی به چنین راه‌حلهایی ملتزم شده‌اند. و برای حفظ دین، حوزه دین را به امور فردی و شخصی اختصاص داده‌اند و در سیاست، دین را از دخالت در مسائل سیاسی و اجتماعی معذور داشته‌اند. و در مسائل فلسفی و اعتقادی یا کلامی و مانند آن‌را، فراتر از دسترس عقل یا غیر آن دانسته‌اند. و به نظر آنها تنها احساس شخصی است که می‌تواند

انسان را به دین رهنمون سازد. (با این نگرش حاکمیت مطلق و بی‌چون و چرای دین بر سراسر ابعاد حیات انسان و تمام شئون وجودی او زیر سؤال می‌رود و مبنای دین، سست می‌شود).

و نتیجه اینکه، حاصل قلمرو دین در مغرب زمین، این است که این مبحث، نتیجه و پیامد لیبرالیسم است که ویژگی برجسته آن سکولاریسم، «جدایی دین از سیاست» و جداسازی قلمرو امور شخصی از امور عمومی است. البته این مبحث قلمرو دین، در جامعه اسلامی نیز مطرح شده است. (از عواملی که باعث شد، این مبحث در جامعه اسلامی هم مطرح شود، عوامل خارجی است، که با تبلیغات و با کمک عوامل نفوذی خود به برخی از رجال این جامعه اسلامی در قرن اخیر باورانده اند که دین در امور سیاسی دخالتی ندارد. و سکولاریسم و جدائی دین از سیاست را مطرح کردند. و بر آنها تحمیل کردند. یکی از کسانی که در صدد جلوگیری از رشد این فکر و نفوذ آن در جامعه و بخصوص رجال دین شد، امام خمینی (ره) است. ایشان نقش فراوانی در احیای اندیشه ناب محمدی (ص) مبنی، بر عدم جدائی دین از سیاست داشتند.)

## ب: «قلمرو دین، اعم از حوزه امور شخصی و فردی و اجتماعی می‌باشد.»

از قرآن و کلام معصوم استفاده می‌شود که دین، پدیده‌ای فراگیر است. که همه ابعاد فردی و اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و اقتصادی و بالاخره دنیا و آخرت انسان را در بر می‌گیرد.

شریعت عبارت است از مجموعه‌ای از احکام ثابت و متغیر که بر اصول اعتقادی تردید ناپذیر و یقینی، مبتنی است. و آن اصول اعتقادی، زیر بنای اخلاق و احکام دین را تشکیل می‌دهد. و دستیابی به آن اصول، هم از راه عقل نظری و علم حصولی ممکن است. وهم از راه شهود و علم حضوری، و از این طریق و دیدگاه قرآن و کلام معصوم استفاده می‌شود، که قلمرو دین، هم در بعد معرفتی و نظری و هم

در بعد اجتماعی و سیاسی، شخصی نیست. و ادعاهای شخصی بودن دین، بر اساس نگرش لیبرالیسم دینی با شکست مواجه می‌شود. چرا که عقل، شیوه عقلانی، از تحقیق و اثبات عقائد دینی ناتوان نیستند. شخصی تلقی کردن دین، محدود نمودن آن به باور و ایمان شخصی و حداکثر انجام مناسک شخصی و آیین‌های عبادی فردی و قطع ارتباط میان برنامه‌ها و تعالیم اجتماعی و سیاسی وحی و مناسک شخصی آن بر این امر، مبتنی است که عقل انسان از دستیابی بدوی و اثبات عقاید دینی، ناتوان باشد.

با شکست دو مبنای موهوم که می‌گوید، «دین عقلانی نیست» و «عقل از اثبات عقائد دینی ناتوان است» به این نتیجه می‌رسیم که عقل با اثبات اصول عقائد دینی، انسان را به اطاعت از پیامبران الهی و پیروی از برنامه‌های همه‌جانبه آنها فرا می‌خواند.

دین بر تمام ابعاد فردی و اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زندگی انسان و تمام دوره‌های آن دنیا و آخرت حکومت دارد. و دین، هیچ بعدی از ابعاد انسان و دوره‌ای از دوره‌های حیات او را مهمل نگذاشته و فراموش نکرده است. البته این سخن بدین معنا نیست که قلمرو دین، شامل حوزه طبیعت، تاریخ، علوم تجربی و ریاضی شود. چرا که کتاب الهی و آسمانی یا احادیث معصومان، کتاب هدایت است. نه کتاب فرضیه‌های علوم تجربی و فرمول‌های ریاضی.

به تعبیر دقیق‌تر، حوزه و قلمرو دین، صرفاً افعال اختیاری انسان را در بر می‌گیرد. از این رو شامل افعال غیر انسان و افعال غیر اختیاری انسان نمی‌شود. و باید توجه داشت که ارزش‌های اخلاقی و احکامی نیز آنگاه دین محسوب می‌گردد، که به عنوان بخشی از این نظام اعتقادی با ارزش، مطرح شود. مثلاً اگر دانشمندی با آزمایشات خود مشروبات الکلی را زیان آور تلقی کند و صرفاً برای رعایت بهداشت - نه به این دلیل که استعمال آن کیفر اخروی به همراه دارد و خداوند آنرا نمی‌پسندد - به تحریم آن حکم کند، از قلمرو دین محسوب نمی‌شود.

## « فوائد دین و انتظار بشر از دین »

یکی از راه‌های تعیین قلمرو دین این است که انسانی که خود را دیندار معرفی می‌کند، خود احتیاج‌هایی را که از دین دارد بسنجد و در این سنجیدن نیازها ببیند که این دین نیازهای او را برطرف می‌کند یا خیر؟ و دین چه فوایدی در عرصه‌های گوناگون برای او دارد و او چه انتظاراتی از دین دارد. فوایدی که برای دین شمرده‌اند، خود، انتظار بشر از دین را معرفی می‌کند.

# فروغ اندیشه

علامه طباطبائی (ره) در مورد فوائد و اهداف دین می‌فرماید:

«دین الهی، تنها راه سعادت انسانی و اصلاح کننده امور حیاتی است. دین است که فطرت را با فطرت، اصلاح می‌کند. و قوای مختلفه را هنگام طغیان به حال اعتدال برمی‌گرداند. و رشته زندگانی دنیوی و اخروی، مادی و معنوی انسان را به نظم در می‌آورد. ایشان در جای دیگر هدف دین را شناساندن خلقت انسان از آغاز تا انجام می‌داند.»

در مجموع اهداف دین از نظر علامه طباطبائی عبارت است از:

- ۱- سعادت انسان.
  - ۲- اصلاح فطرت با فطرت.
  - ۳- تعادل قوای انسان.
  - ۴- هماهنگی میان دنیا و آخرت و ماده و معنی.
- و هدف اصلی دین را در اصل، اصلاح حیات اجتماعی می‌داند و به تبع آن، سعادت فردی انسان‌ها.
- و در جای دیگر فوائد زیادی از جانب علماء و بزرگان نقل شده:
- ۱) تأیید مستقلات عقلیه. «اموری که عقل، مستقلاً آنها را درک می‌کند و درباره آن حکم و قضاوت می‌کند، دین آنها را تأیید و تأکید می‌کند.»
  - ۲) استفاده حکم از مدرکات عقل غیر مستقل. «اموری که عقل، آنها را به طور مستقل درک نمی‌کند که دین نسبت به بعضی از آنها شکل تاسیس و نوآوری و در مورد بعضی دیگر تأکید می‌کند.»
  - ۳) از بین بردن ترس.
  - ۴) دفع نیاز انسان در شناخت حسن و قبیح افعال.
  - ۵) شناساندن اشیاء سودمند و زیان‌آور به انسان.
  - ۶) حفظ نوع انسانی. «انسان، فردی اجتماعی است. اجتماع به دلیل افراد خود به تنازع میان آدمیان تبدیل می‌شود. و جامعه دچار هرج و مرج می‌شود. و دین از این هرج و مرج‌ها جلوگیری می‌کند.»
  - ۷) تربیت و تکمیل انسان‌ها در خور استعدادهايشان.
  - ۸) تعلیم صنایع و فنون سودمند.
  - ۹) تعلیم اخلاق و سیاست.



- ۱۰ بیان ثواب و عقاب اعمال.
- ۱۱ معرفی انسان به عنوان قلب عالم هستی.
- ۱۲ همبستگی اجتماعی.
- ۱۳ معنی بخشیدن به زندگی.
- ۱۴ راهنمایی به زندگی با آرامش.
- ۱۵ پاسخ به احساس تنهایی.
- ۱۶ دین و تمدن. «یکی از آثار دین، شکوفایی تمدن است. زیرا هر جا که دین، نمود پیدا کرده، تمدن، جلوه‌های بیشتری از خود ارائه کرده است».
- ۱۷ تعلیم حقایق دست نیافتنی به دست پیامبران.
- ۱۸ اقامه قسط و عدل.
- ۱۹ آزادی انسان‌ها به دست انبیاء «چون همیشه انسان‌ها در چنگال زمامداران مادی که هدف تثبیت امیال خود را داشتند، در غل و زنجیر و اسارت بودند».

## «ذکر نظریات اندیشمندان و صاحب نظران اسلامی در مورد قلمرو دین»

علامه طباطبائی (ره)<sup>۱</sup>

ایشان بر اساس تعری، ضرورت و اهداف دین، برای آن، قلمرو ویژه‌ای قایل است. از نظر ایشان دین، همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی انسان را دربرمی‌گیرد. اسلام، دینی است، جامع که در همه زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان به وضع قانون پرداخته است. به بیان دیگر معارف و احکام اسلام، شامل همه ابعاد وجود انسان و شئون مختلف زندگی می‌شود.

شهید صدر (ره)<sup>۲</sup>

شهید صدر، معتقد است که اسلام برای اداره دنیا و آخرت انسان‌ها آمده است.

۱ - انتظار بشر از دین، عبدالله نصری، ص ۱۲۹

۲ - انتظار بشر از دین، عبدالله نصری، ص ۱۵۵

# فروغ اندیشه

اسلام، دنيا و آخرت را از يکديگر جدا نمي‌داند. و آن دو را در ارتباط با يکديگر مورد بررسي قرار مي‌دهد. از نظر ايشان قلمرو دين، وسيع است. و همه شئون زندگي فردي و اجتماعي انسان‌ها را در بر مي‌گيرد.

## شهيد مطهري (ره)

ايشان قائل به اين هستند که بشر، هم از لحاظ شخصي به دين نيازمند است و هم از لحاظ اجتماعي. دين از يکسو، پشتوانه اخلاق و قانون است، و از سوي ديگر به عنوان ايدئولوژي مي‌تواند پاسخگوي نيازهاي دنيا و آخرت انسان‌ها باشد.

## دکتر سروش

ايشان ديدگاه خاصي درباره قلمرو دين دارد. از نظر وي دين، کاري به امور دنيوي انسان‌ها ندارد و از دين، فقط بايد انتظار داشت که به بعد فردي انسان‌ها توجه داشته باشد. او مي‌گويد انسان بر مبناي انتظاري که از دين دارد، به تفسير آن مي‌پردازد.

او مي‌گويد که دين کاربردهاي خاصي دارد:

- ۱) دين، زندگي بشر را در نظام هستي، ممکن مي‌سازد.
  - ۲) دين، به انسان قدرت مي‌دهد، تا ناملايمات، شرورها، مرگ‌ها و بي عدالتي‌ها را تحمل کند.
  - ۳) دين، به پرسش‌هاي اساسي پاسخ مي‌دهد. که من کيستم؟ از کجا آمده‌ام و ...
- در واقع دين، به حيات آدمي معنا مي‌دهد.

### منابع و ماخذ:

- ۱- دين شناسي، محمد حسين زاده، ناشر، مؤسسه فرهنگي امام خميني (ره).
- ۲- فلسفه دين، علامه جعفري، ناشر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.
- ۳- انتظار بشر از دين، آيت الله جوادي آملی، نشر اسراء.
- ۴- مدارا و مديريت، عبدالکریم سروش، ناشر، مؤسسه فرهنگي صراط.
- ۵- انتظار بشر از دين، عبدالله نوري، ناشر، مؤسسه فرهنگي و اندیشه معاصر.
- ۶- ابعاد گسترده دين، سيد جواد مصطفوي ترقی، کانون انتشارات محمدی.